



سیاست‌گذاری‌های اشتباهچه پنه‌تشنش میان استانبولها متعجبتر شده است

بحران آب و تقابل معیشت و تشنگی

«موراگ» زیر چکمه‌های ارتش

اشفانگراسرائیل

نقشه‌های شوم

«بی‌بی»

برای غزه

صفحه ۱۵



نرخ ارز

به کدام سو می‌رود؟

شوگ ارزی

مهمترین بحران

پیش‌روی اقتصاد

صفحه ۱۵



در نشست مشترک سران قوا

مطرح شد

همدلی وعزم

قوای سه‌گانه‌در

راستای تحقق شعار سال

صفحه ۱۵

ابرقمار

یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۴

۷ شوال ۱۴۴۶

۶ آپریل ۲۰۲۵

سال بیست‌ونهم

شماره ۵۸۷۵

۱۲ صفحه

۱۰۰۰۰ تومان

خاورمیانه در آستانه سفر ترامپ؛ طبل دیپلماسی یا آوای تهدید؟

دوراهی جنگ و دیپلماسی

دونالد ترامپ با اعلام سفر احتمالی به خاورمیانه، در بحبوحه تشدید تنش‌های منطقه‌ای و جنگ اقتصادی جهانی، با چالش‌های جدی روبه‌روست. اختلافات عربی–اسرائیلی، رویکرد فشار حداکثری آمریکا بر ایران هم‌زمان با سیاست تنش‌زدایی برخی کشورهای خلیج فارس با تهران، تهدید گروه‌های تروریستی و رقابت ژئوپلیتیک میان آمریکا، روسیه و چین، همه سبب شده است تا چشم‌اندازهای جهانی مبهم به‌نظر برسند. در این شرایط، موفقیت دیپلماتیک ترامپ نیازمند راهبردی روشن است؛ اما اقدامات غیرقابل‌پیش‌بینی او، تحقق دستاوردهای ملموس وی را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد.

به گزارش فرارو به نقل از موسسه خاورمیانه، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، این هفته تأیید کرد که قصد دارد در اواخر بهار امسال به عربستان سعودی و دیگر کشورهای خاورمیانه سفر کند. این سفر در حالی برنامه‌ریزی شده که ترامپ تا کنون به‌طور عمده بر مسائل داخلی و اجرای نسخه خاص خود از «جنگ اقتصادی» متمرکز بوده و حالا این منطقه بار دیگر به کانون توجه بازمی‌گردد.

اعلام این سفر در بحبوحه افزایش تنش‌ها در خاورمیانه صورت می‌گیرد. ایالات متحده در حال اعزام ناوها و جنگنده‌های بیشتر به منطقه است. ترامپ ایران را به حمله تهدید کرده و کارزار نظامی تازه‌ای را علیه حوثی‌ها در یمن آغاز کرده است؛ در حالی‌که اسرائیل نیز حملات خود به نوار غزه و لبنان را شدت بخشیده است. این فضای متشنج منطقه‌ای، با شتاب‌گرفتن جنگ اقتصادی ترامپ علیه متحدان و رقبای آمریکا در سراسر جهان هم‌زمان شده است؛ آن هم در شرایطی که تلاش‌ها برای ایجاد صلح میان روسیه و اوکراین به بن‌بست رسیده‌است.

شرایط امنیتی رو به وخامت در خاورمیانه، همراه با چشم‌انداز مبهم و پر آشوب در عرصه ژئوپولیتیکی جهان، چشم‌انداز چندان مساعدی را برای انجام یک سفر دیپلماتیک موفق از سوی رئیس‌جمهور آمریکا ترسیم نمی‌کند؛ هر چند از اکنون تا زمان احتمالی این سفر، بسیاری از معادلات ممکن است دستخوش تغییر شوند.

شرح در صفحه ۱۵



اخبار

فرهنگ گردشگری چگونه بالا می‌رود؟

تاراج خاک نقره‌ای

مسافران آمدند، عکس گرفتند، خاک برداشتند و رفتند ولی کسی نرسید سهم طبیعت چه می‌شود؟ هرزمز زخمی‌ست از یادگاری‌هایی که باید سر جایشان می‌ماندند.

به گزارش مهر «هرمز تحمل ترند شدن در اینستاگرام را نداشت.» این روزها، این تیتَر در بسیاری از صفحات مجازی به چشم می‌خورد؛ جمله‌ای که به‌درستی حال و روز جزیره‌ی هرمز را توصیف می‌کند. جزیره‌ای که روزگاری با خاک سرخ آسمانه‌اش و شن‌های نقره‌ای درخشانش شناخته می‌شد، حالا زیر بار هجوم بی‌امان گردشگران و تب داغ شبکه‌های اجتماعی، نفسش به شماره افتاده است. هرمز دیگر آن بهشت بکر و آرام سابق نیست. چند سالی می‌شود که به لطف تبلیغات پرزرق‌وبرق اینستاگرامی، به یکی از مقصدهای محبوب گردشگری تبدیل شده است. مقصدی که خیلی‌ها برای دیدنش، ماه‌ها پس‌انداز می‌کنند تا تعطیلاتشان را در آغوش سواحل جنوب بگذرانند. اما آیا هرمز ظرفیت این حجم از توجه و هجوم را دارد؟

در یکی از ویدئوهایی که به‌تازگی دست‌به‌دست می‌شود، گروهی از زنان و مردانی را می‌بینیم که پنهانی مشغول پر کردن بطری‌های آب با شن‌های نقره‌ای ساحل هستند. زیر ویدئو، نوشته شده است: «دزد طبیعت!» لقبی که شاید در نگاه اول تند به نظر برسد، اما حقیقتی تلخ پشت آن است. آن‌ها بدون در نظر گرفتن آسیب‌هایی که به طبیعت وارد می‌کنند، تنها به فکر این هستند که بگویند: «ما هم از این خاک داریم.» ما هم بخشی از این بازی‌ایم؛ بازی‌ای که در آن چیزی جز دستاَنش را رقابت در پدست آوردن تکه‌ای از طبیعت، ارزش ندارد.

سال گذشته، یک گردشگر خارجی به ایران آمد. محو زیبایی‌های جنوب شد، مخصوصاً سواحل نقره‌ای جزیره‌ی هرمز. آن‌قدر خوشش آمد که امسال دست دوستانش را گرفت و گفت: «باید اینجا را ببینید!» چه دیدنی، نه آن ساحل همان بود، نه آن نقره، نه آن درخشش.

چرا؟ چون دوستان عزیز و زحمت‌کشی که در ایام نوروز با شور و اشتیاق به دل طبیعت زده بودند، هرچه بطری و کیسه در دست داشتند را از شن نقره‌ای پر کردند و با خود به خانه بردند. لابد فکر کردند دارند تکه‌ای از بهشت را می‌برند، یا شاید هم سوغاتی خاص برای ویتن‌ریشان. خاک نقره‌ای زیبا است، بله... اما وقتی سرجای خودش کنار خلیج فارس بدرخشد، نه در یک بطری پلاستیکی در انباری خانه یا بدتر از آن، نه کیسه جاروبرقی‌تا پایان سال.

آخر یکی نیش‌بگوید این خاک به چه کارتان می‌آید و قرار است چه معجزه‌ای کند؛ به خانه که رسیدید چه می‌کنید با آن، نگاهی نمی‌کنید؟ پُر می‌دهید؟ یا چند وقت بعد فراموش می‌شود و می‌رود کنار باقی خرت‌وپرت‌هایی که روزی ذوقشان را داشتید و حالا فقط جا تنگ کرده‌اند. مسئله اینجاست که همه فکر می‌کنند: «حالا من یکی که چیزی نمی‌رم‌فقط یک بطری‌است...» اما وقتی هزار نفر این فکر را بکنند، فاجعه اتفاق می‌افتد. برآورده می‌گویند نزدیک به ۸۰ درصد از شن نقره‌ای هرمز از بین رفته و هر کسی سهم خودش را از طبیعت برداشته، اما کسی نرسیده طبیعت خودش چه سهمی دارد.

جاب آست، برخی که همیشه دم از تمدن ۲۵۰۰ ساله می‌زنند، در هر محفلی با غرور از نژاد آریایی سخن می‌گویند و مدام درود می‌فرستند، بیشتر اهل شعارند تا رفتار. آن‌ها حتی ساده‌ترین اصول حفاظت از میراث فرهنگی یا طبیعت کشورشان را رعایت نمی‌کنند. سوال این است که دقیقاً به چه چیزی می‌بالند که تمدنی که فقط نامش را می‌دانند؟ حرف زدن آسان است. همه بلدند بگویند «ما وارثان فرهنگ و تمدن ۲۵۰۰ ساله‌ایم»، اما پای عمل که می‌رسد، دیگر از آن تمدن چیزی باقی نمی‌ماند. متأسفانه بسیاری از ما فقط در حرف تمدن‌سازیم، و در عمل، تیشه به ریشه‌ی همان میراث می‌زنیم.

مگر فقط تخریب شن‌های نقره‌ای جزیره هرمز آسیب به تاریخ و فرهنگ است؟ اگر ما این میراث را از بین ببریم، چه چیزی برای فرزندانمان باقی می‌ماند. وقتی کودک فردای ما بخواهد ساحل نقره‌ای هرمز را ببیند، یا عظمت بنای هخامنشی را لمس کند، آیا چیزی از آن‌ها باقی مانده که ببینند و مهم‌تر از آن، وقتی بپرستند چه شد که این‌ها نابود شدند، ما به آنها چه پاسخی باید بدهیم. تمدن، داشتن بناهای تاریخی نیست؛ داشتن فرهنگی‌ست که بتواند آن‌ها را حفظ کند.

سردار سلامی:

شروع کننده جنگ نخواهیم بود اما برای هر جنگی آماده‌ایم

پدافندی جهان در طول تاریخ متعلق به رژیم صهیونیستی است.

وی با مقایسه این توان با دیگر کشورها افزود: تعداد پدافندها در واحر سطح در آمریکا حتی یک دهم اسرائیل هم نیست. آمریکا یک آسمان باز است، ولی اسرائیل یک محیط چگال و پرتراکم، جنگلی از پدافندها در پیشرفته ترین شکل خود، شامل سامانه‌های تاد، آرو، فلاخن داوود، گنبدهای آهنین و ایچیس است که به اشباع در فناوری رسیده اند.

سردار سلامی با تأکید بر موفقیت عملیات ایران گفت: با وجود این حجم از پدافند، وقتی ما موشک زدیم، ۵۸۱ موشک به زمین اصابت کرد.

وی افزود: دشمن پس از عملیات ما، به سرعت عملیات روانی کرد که ایران دارای آسمان باز است، اما واقعیت نفوذپذیری سامانه‌های خودشان بود.

فرمانده کل سپاه با تصریح بر اینکه اراده نظام غالب شد، به وضعیت جبهه مقاومت اشاره کرد و گفت: اگر ما و جبهه مقاومت ضعیف شده بودیم، چرا دشمن در لبنان متوقف شد؟ چرا در غزه تن به آتش بس داد؟ چرا حزب الله همچنان قدرتمند است و فلسطین می‌جنگد؟

یمن علی‌رغم بمباران‌های مکرر، همچنان میگرد و حتی آمریکا‌یی‌ها به بی اثر بودن بمباران‌ها اذعان کرده اند. این یک بن‌بست برای دشمن است.

وی در خصوص تحولات سوریه و تلاش دشمن برای مرتبط کردن آن به ضعف ایران، اظهار داشت: ما مسئول مستقیم دفاع از سوریه نبودیم، بلکه در لحظات سخت برای از بین بردن فتنه داعش و تکفیر کمک کردیم و موفق بودیم.

سردار سلامی با تأکید بر اینکه عوامل مرتبط با نظام سوریه به ایران مربوط نمی‌شود، افزود: بهره‌برداری ما از آن سرزمین برای حمایت از جبهه مقاومت بود و مرتبط دانستن تحولات به ضعف ما، خطای محاسباتی دشمن است.

وی با بیان اینکه دشمن با مفروضات غلط مبنی بر ضعف قدرت بازدارندگی ایران، تلاش دارد ما را بین دو گزینه مواجهه با پذیرش شرایط دشمن قرار دهد، تأکید کرد: ما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستیم. موطن ما زادگاه ما جهاد است. ما را برای نبردهای بزرگ و برای شکست دادن دشمنان بزرگ ساخته اند. ما از عاشورا آموخته ایم و شاگردان آن مکتیبم، اگرچه عاشورا تکرار نخواهد شد.

فرمانده کل سپاه با اشاره به گستردگی و آسیب پذیری دشمن تصریح کرد: دشمن ما روی زمین گسترده است و همه جا در تیررس ماست. رژیم صهیونیستی مانند سرفه‌ای پهن مقابل ما است. فرمول‌های غلبه بر این دشمن را آموخته ایم و آن را در تمام ارکان سلاح و تجهیزات خود وارد کرده ایم. نرم افزار و سخت افزار شکست دادن رژیم را، علی‌رغم حمایت مطلق آمریکا، کاملاً در اختیار داریم. وی با قاطعیت اعلام کرد: هیچ نگران نیستیم، ما از جنگ ابداً نگران نیستیم. شروع کننده جنگ نخواهیم بود، اما برای هر جنگی آماده‌ایم. عشنش جهاد برای دفاع از کبان، هویت و موجودیت، یک حقیقت در نیروهای مسلح و مردم است. برای هر دو وضعیت عملیات روانی یا اقدام نظامی دشمن آماده ایم، اما یک گام در مقابل دشمن عقب نخواهیم نشست.

شهرام دبیری معاون پارلمانی از سمت خود بر کنار شد

خداحافظی با

مسافر قطب جنوب

صفحه ۶



سرمقاله

جلال خوش‌چهره



ترامپ میان دو گزینه

تصور کنید گفت‌وگوی تهران _ واشنگتن در دو صورت احتمالی «مستقیم» یا «غیر مستقیم» به نتیجه ملموس و راهگشا دست نیابد. در این صورت چه خواهد شد؟ آیا «دونالد ترامپ» به همان آسانی که درباره جنگ‌های اوکراین؛ غزه؛ یمن؛ نعره‌ها و چین، ادعاهای مرزی با کانادا، پاناما و مکزیک بلندیروازانه وعده داد ولی هنوز نتیجه‌ای برای فروش نزد افکار عمومی ایالات متحده و جامعه جهانی ندارد، می‌تواند دستور اقدام نظامی علیه تهران را صادر کند؟

همه چیز در کلام ساده بود اما در بستر واقعیت‌های جاری و تجربه سه ماه گذشته استقرار دولت ترامپ، اوضاع آنگونه نشد که او پیش از این تصور می‌کرد. جنگ اوکراین و غزه با شدت بالا ادامه دارد؛ جنوب لبنان همچنان زیر آتش توسعه طلبانه ارتش اشغالگر اسرائیل است؛ حوثی‌ها زیر باران موشک‌ها مقاومت می‌کنند؛ قدرت‌های اقتصادی اروپا_ آسیا برای مقابله با جنگ تجاری با واشنگتن در تدارک پدافنی هستند. تهران نیز به تناسف و فراخور اوضاع، خود را برای هرگونه اقدام احتمالی آماده کرده است.

حال اگر این احتمال که سرانجام تعاملات میان تهران و واشنگتن به نقطه رویارویی نظامی بینجامد، پرسش برجسته آن است که آیا برخلاف ادعاها و رجزخوانی‌ها، ناپودسازی زیرساخت‌های هسته‌ای؛ موشکی؛ نظامی و اقتصادی ایران در اسرع وقت ممکن خواهد بود؟ یا واشنگتن به تله‌ای گرفتار می‌شود که در ویتنام، افغانستان و عراق بر سرش آمد. مسئله این نیست که درصورت وقوع رویارویی نظامی، تهران از آسیب‌های جدی و گران مصون می‌ماند؛ بلکه چگونگی پایان ای ماجراست که ذهن جناح کیوتروهای دولت ترامپ و بخشی از اعضای کنگره ایالات متحده را مقابل تندخویی جریان بازها به خود مشغول کرده است.

ادامه در صفحه ۶